

روزنه

دستیارویژه روحانی در امور حقوق شهروندی

ضرورت آموزش نیروهای پلیس در برخورد با شهروندان

● **شرق:** ترتیبی اتخاذ شده تا امکان تماس مستقیم تلفنی و ارسال نامه از زندان برای زندانیان با دستیار ویژه حقوق شهروندی برقرار شود. به این ترتیب صندوق پستی شهیندخت مولاوردی این روزها نامه‌های زیادی تحویل می‌گیرد که بخش عمده مطالبات آن از جانب زندانیان مالی و گاهی سیاسی و امنیتی مطرح می‌شود. این نامه‌ها و تماس‌ها یکی‌یکی بررسی می‌شود و در نوبت رسیدگی قرار می‌گیرد. او همچنین در ارتباط با اخباری مبنی بر ضرب‌وشتم دستگیرشدگان جریان موسوم به «دختران خیابان انقلاب» به ایسنا گفته «رعایت قانون و حقوق شهروندی برای کسانی که حتی قانون را زیر پا گذاشته‌اند نیز الزامی است و ضرورت دارد تا ضابطین و پلیس آموزش دیده باشند و این موضوع را از طریق وزیر کشور پیگیری کردم».

شهیندخت مولاوردی، دستیار ویژه رئیس‌جمهوری به «شرق» گفته «در همین حال اخبار خوبی از وضعیت زندانیان به گوش نمی‌رسد. به همین خاطر در تلاش هستیم تا دست روی دست نگذاریم و به همین منظور ارتباط متعددی با زندان‌های سراسر کشور برقرار شده است. حتی برنامه معصومه ابتکار، معاون امور زنان ریاست‌جمهوری نیز در سفرهای استانی بازدید از زندان‌ها را با تاکید بر بازدید از بند زنان شروع کرده‌اند».

او همچنین درباره تماس مستقیم زندانیان از زندان با این بخش نیز توضیح داده «تماس و مکاتبه‌هایی‌که با حوزه ما انجام می‌شود را به بخش‌های مختلف ارجاع می‌دهیم و دنبال رفع مسائل هستیم. با سربرگ زندان برای ما نامه می‌نویسند و مستقیم از داخل زندان با ما در تماس هستند. از همان فردای حضورم در این سمت ترتیبی اتخاذ شد تا بتوانیم این دسترسی را به وجود آورده و تسهیل کنیم».

بازدید از زندان زنان از جمله برنامه‌های دستیار ویژه رئیس‌جمهوری است. معصومه ابتکار نیز به نوبه‌ای همین برنامه را انجام می‌دهد و پیش از این فراکسیون زنان مجلس نیز از مکاتبه با سازمان زندان‌ها برای بازدید از بند نسوان خبر داده بودند.

politics@sharghdaily.ir

فارغ از جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک با نگاه به خط‌مشی‌های عمومی‌که در ایران وضع شده، احساس می‌کنیم در این زمینه مشکلاتی وجود دارد. یک مشکل این است که میان ابزار و اهداف تناسب وجود ندارد. چرا در خط‌مشی‌های عمومی ما عقلانیت عملی، یعنی تناسب میان هدف و وسیله وجود ندارد؟ وسایلی که ما استفاده می‌کنیم، علاوه بر اینکه ما را به اهداف اعلام‌شده نمی‌رسانند ما را از اهدافمان دور می‌کنند. مشکل دیگر ناسازگاری خط‌مشی‌های عمومی ما در حوزه‌های مختلف یکدیگر را تقویت نمی‌کند و با هم مغایرت دارند. مشکل دیگر مسئله ناپایداری است. خط‌مشی‌های عمومی ما اغلب ناپایدارند. خط‌مشی‌های ما با سروصدای زیاد می‌آیند و بدون هیچ سروصدایی می‌روند. حمایت‌ها نیز ناپایدارند. برای مثال خط‌مشی‌ای که ظاهرا در حمایت از کارگران وضع شده، هیچ‌گاه نمی‌تواند حمایت کارگران را به طور کامل جلب کند. این پرسش در ذهن من مطرح بود که باوجود تغییر دولت‌ها و گرایش‌های ایدئولوژیکی که وجود داشته، چرا این خطاها تکرار می‌شود؟

با استفاده از ایده دو نفر از صاحب‌نظران، به این نتیجه رسیدم که این سیستم خط‌مشی‌گذاری عمومی، از سه خرده‌سیستم تشکیل شده است. در یک بخش خط‌مشی شکل می‌گیرد، در بخش دیگر اجرا می‌شود و در نهایت ارزش‌یابی می‌شود. ورودی‌های این سیستم نیازها، خواسته‌ها، تقاضاها، حمایت‌ها و منابع است. حال اگر در محصول یک سیستم اشکالی وجود دارد، ریشه این اشکال یا در این خرده‌سیستم است یا در ساختار سیستم؛ یعنی روابط تثبیت‌شده و جافتاده این خرده‌سیستم‌ها، یا در ورودی‌های سیستم یا در فیدبک سیستم است. این مباحث را در کتابی با عنوان «اقتصاد سیاسی و خط‌مشی‌گذاری عمومی» توضیح داده‌ام.

در کاوشی که برای یافتن مدلی که خط‌مشی‌های عمومی ما را بهتر تبیین کند، داشتیم، به مدل اقتصاد سیاسی رسیدیم. اقتصاد سیاسی با ترکیب دانش اقتصادی ما با جامعه‌شناسی سیاسی، سیستم خط‌مشی‌گذاری عمومی را توضیح می‌دهد. اگر بخواهیم خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران را آسیب‌شناسی کنیم، باید بر سر یک مدل به توافق برسیم. در تاریخ مدل‌های تبیین خط‌مشی‌های عمومی دو گرایش حکومت‌محور و جامعه‌محور

وجود دارد. در واقع اقتصاد سیاسی تلاشی برای ترکیب این دو سنت است. با بررسی‌هایی که انجام دادم، به این نتیجه رسیدم که مدل اقتصاد سیاسی مدل مناسبی برای بررسی خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران است. مدل اقتصاد سیاسی سعی دارد به کمک متغیرها، مشکلاتی را که در خط‌مشی‌گذاری عمومی وجود دارد، تبیین کند. ساختار حکومت‌ها و کارکردهای آن یعنی سیستم حقوق اساسی، ایدئولوژی حکومت، نقش‌های ضروری که حکومت‌ها فارغ از ایدئولوژی‌هایشان ایفا می‌کنند و ساخت بوروکراسی دسته‌ای از این متغیرها هستند. برای مثال باید ببینیم نوع بوروکراسی در کشور چه انتخاب‌هایی را در مقابل خواهد داشت. دسته دیگر از این متغیرها، نیروهای اجتماعی هستند. یعنی نیروهایی که اشتراک دارند، قصد دخالت و اثرگذاری در خط‌مشی‌ها را دارند و در این راستا منابع این خرده‌سیستم است یا در ساختار سیستم؛ یعنی اقتصادی است.

نکته جالب این است که در اعتبارسنجی‌ای که از مدل اقتصاد سیاسی داشتیم، می‌خواستم بدانم مخاطبان ایرانی کدام‌یک از متغیرها را در خط‌مشی‌گذاری مهم‌تر می‌دانند. تقریباً همه مخاطبان، به جز تعداد معدودی، ساختار حکومت را مهم‌ترین عامل تبیین خط‌مشی‌های عمومی می‌دانستند. البته روشنفکران اغلب به متغیرهای دیگر، از جمله نیروهای اجتماعی، توجه بیشتری داشتند. بحث‌های زیادی دراین‌باره وجود دارد. مثلاً اینکه آیا صرف وجود طبقه به‌عنوان یک دسته‌بندی، امکان اثرگذاری بر خط‌مشی‌گذاری عمومی را به‌وجود می‌آورد؟ ما به این نتیجه رسیدیم که تا طبقه

سیاست

علیرضا علوی تبار در نشست «فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران»:

باید از پس اصلاحات سخت برآیم

حسین جلالی

نگران است که جامعه دچار خشونت فراگیر شود؛ اما می‌گوید من به آینده ایران امیدوارم. «علیرضا علوی‌تبار»، روزنامه‌نگار و پژوهشگر اصلاح‌طلب آنها را بر زبان می‌آورد و می‌گوید: «در نقطه عطف تاریخی قرار داریم، از اول انقلاب در این نقطه بوده‌ایم، اما الان قضیه جدی‌تر است». او این صحبت‌ها را در سخنانی در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری مطرح کرد. موضوع این نشست «فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران» بود. علوی‌تبار پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام داده است که بخشی از آنها در کتاب «اقتصاد سیاسی و خط‌مشی‌گذاری عمومی» چاپ شده‌اند. چالش و معضلات کنونی که به «ابرچالش‌ها» مشهور شده‌اند، موضوع جلسه را بیشتر به مسائل روز پیوند داد و این تحلیلگر اصلاح‌طلب را مجبور کرد تا درباره وضعیت کنونی و بیم و امیدهای خود بیشتر توضیح دهد. خلاصه‌ای از این نشست در ادامه می‌آید.

وجود دارد. در واقع اقتصاد سیاسی تلاشی برای ترکیب این دو سنت است. با بررسی‌هایی که انجام دادم، به این نتیجه رسیدم که مدل اقتصاد سیاسی مدل مناسبی برای بررسی خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران است. مدل اقتصاد سیاسی سعی دارد به کمک متغیرها، مشکلاتی را که در خط‌مشی‌گذاری عمومی وجود دارد، تبیین کند. ساختار حکومت‌ها و کارکردهای آن یعنی سیستم حقوق اساسی، ایدئولوژی حکومت، نقش‌های ضروری که حکومت‌ها فارغ از ایدئولوژی‌هایشان ایفا می‌کنند و ساخت بوروکراسی دسته‌ای از این متغیرها هستند. برای مثال باید ببینیم نوع بوروکراسی در کشور چه انتخاب‌هایی را در مقابل خواهد داشت. دسته دیگر از این متغیرها، نیروهای اجتماعی هستند. یعنی نیروهایی که اشتراک دارند، قصد دخالت و اثرگذاری در خط‌مشی‌ها را دارند و در این راستا منابع این خرده‌سیستم است یا در ساختار سیستم؛ یعنی اقتصادی است.

نکته جالب این است که در اعتبارسنجی‌ای که از مدل اقتصاد سیاسی داشتیم، می‌خواستم بدانم مخاطبان ایرانی کدام‌یک از متغیرها را در خط‌مشی‌گذاری مهم‌تر می‌دانند. تقریباً همه مخاطبان، به جز تعداد معدودی، ساختار حکومت را مهم‌ترین عامل تبیین خط‌مشی‌های عمومی می‌دانستند. البته روشنفکران اغلب به متغیرهای دیگر، از جمله نیروهای اجتماعی، توجه بیشتری داشتند. بحث‌های زیادی دراین‌باره وجود دارد. مثلاً اینکه آیا صرف وجود طبقه به‌عنوان یک دسته‌بندی، امکان اثرگذاری بر خط‌مشی‌گذاری عمومی را به‌وجود می‌آورد؟ ما به این نتیجه رسیدیم که تا طبقه

چه کاری‌شود کرد؟
یک راه‌حل هست که در کل وضعیت‌ها می‌توان به آن توجه داشت؛ افزایش ظرفیت ملی حل مشکلات. قاعدتاً بخشی از این ظرفیت‌ها در حکومت است؛ مثل ظرفیت قانون‌گذاری، اجرا، یادگیری، فسادگریزی، نهادی-سیاسی، ارتباطی و پاسخ‌گویی. یک ظرفیت غیرحکومتی هم داریم و باید بیرون از حکومت ظرفیت‌سازی کنیم؛ مثل رسانه‌ها، نهادهای پژوهشی و احزاب و تشکل‌ها. اما بگذارید با صراحت بگویم که اعتقاد ندارم که زمان زیادی داریم. فکر می‌کنم نقطه عطفی در ایران در حال اتفاق افتادن است و ایران نیاز به یک تغییر بنیادین دارد. تغییری که امیدوارم برای انجام‌شدن آن جامعه ما وارد یک دوره از خشونت فراگیر نشود. آرزو می‌کنم که به انکا به نیروهای شهروندان ایران با روش مسالمت‌آمیز بتوانیم از عهده اصلاحات سخت در ایران بریاییم. به نظر نمی‌رسد که برای این کار افق زمانی زیادی داشته باشیم. ما باید در دوران همین رئیس‌جمهور وارد یک دوره از تصمیم‌گیری‌های سخت و اصلاحات ساختاری به صورت یک مجموعه به‌هم‌پیوسته شویم. من به آینده ایران امیدوارم؛ این شاید به دلیل اعتقادات مذهبی‌ام است. معتقدم جهان ما جهانی اخلاقی است و رفتار خوب در آن کم نمی‌شود و پاسخ خود را پیدا می‌کند.

پرسش‌وپاسخ

علوی‌تبار در پاسخ به سؤال «شرق» درباره اینکه چقدر احتمال می‌دهید دولت وارد این اصلاحات بنیادین شود، گفت: «اصلاً به دست دولت نمی‌تواند انجام گیرد؛ [بلکه] باید از سوی کل حکامیت انجام شود. البته من واقعاً نمی‌دانم دولت دارد چه کار می‌کند. من از سال ۲۲ تاکنون آقای روحانی را از نزدیک ندیده‌ام و هیچ گفت‌وگویی نیز با ایشان نداشته‌ام. به همین دلیل نمی‌دانم برنامه دولت چیست. آقای نیلی و جمعی از اقتصاددان‌ها دو جلد کتاب آماده کرده‌اند به نام «گذر از ابرچالش‌ها». این کتاب متوجه وضعیت هستند که چه اصلاحات بنیادی به‌هم‌پیوسته‌ای [باید انجام داد]. نمی‌توانیم سیاست‌ خارجی خودمان را فراموش کنیم و به اقتصاد فکر کنیم. نمی‌توانیم اقتصاد را رها کنیم و تنها به فرهنگ بپردازیم. ما برای تحول در ایران به یک بسته جامع احتیاج داریم که من این ظاهرا از پس دولت (به معنای government) برمی‌آید، به‌ویژه دولتی که خیلی رزمی هم نیست و برای این کار ساخته نشده است که درگیر بشود.

این تحلیلگر اصلاح‌طلب در پاسخ به پرسش یکی دیگر از خبرنگاران مبنی بر اینکه تحولات مدنظر او بسیار دشوار و حتی نشدنی هستند، گفت: «ظاهراً سیستم تصمیم‌گیری ما عیب‌هایی دارد که تکرارشان می‌کند. باید سراغ اصلاح آن برویم؛ اما ممکن است این سنگ بزرگی باشد. شاید کام‌اول یک تلاش بزرگ این باشد که بسته جامعی از تغییرات لازم تهیه کنیم. خوب یا بد این کار در اقتصاد ایران شده است. آن دو جلد «گذر از ابرچالش‌ها»، بسته جامعی برای سیاست‌های اقتصادی ایران دارد. ای‌کاش این کتاب را در معرض نقد و بررسی بیشتری قرار می‌دادند. ببینید من به‌طور ضمنی تاکید می‌کنم مسئله ما هنوز هم امر سیاسی است. اولویت ما هنوز هم سیاست است. هنوز هم بحث ما درباره تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌هاست. وقتی اندیشه خوب تولید می‌کنید، آن اندیشه خودش یک نیروی واقعی است. ولی کافی نیست. ما تشکیلات و بسیج منابع برای پیش‌بردن برنامه سیاسی می‌خواهیم. تاکید من این است که راهی نداریم جز اینکه برای جانداختن تئوری خروج از بحران تلاش کنیم. خوبی حکومت ایران این است که آن جاهایی که لازم است، انعطاف‌ها خرج می‌دهد، ولی این مسئله هم زمان دارد. گاهی اوقات این سؤال را از خودم می‌پرسم و بدمن می‌لرزد که اگر مرحوم امام جنگ را تمام نکرده بود و فوت می‌شدند، چه کسی جرئت می‌کرد جنگ را تمام کند؟ اما بالاخره قرار این است که یک گروهی این کار را با کم‌ترین هزینه انجام دهد. آنها باید منسجم باشند. متأسفانه باید راه‌حلی جز ارتباط، انسجام، گفت‌وگو، ایجاد نیروی اجتماعی، فشار، اقناع، تطمیع، تهدید و همه چیزهایی را که در سیاست خارجی به کار می‌بریم، به کار بگیریم.

وضعیتی طوری است که من به‌شدت ترسیده‌ام؛ نه به دلیل تظاهراتی که از سوی در حدود ۱۱۰ تا ۱۵۰هزار نفر شده است. البته آنها هم مردم هستند و حق اعتراض دارند. ولی اتفاق بزرگی نیست. یادتان باشد ما در همین تهران تظاهرات سه‌میلیونی مسالمت‌آمیز هم داشته‌ایم؛ یعنی می‌شود نیروی اجتماعی بزرگ‌تری نیز فراهم کرد، بدون آنکه به خشونت منتهی شود.

بحران‌ها همه ما را به تفکر مجدد وامی‌دارند. بهتر این است که راه‌های مسالمت‌آمیز را قطع نکنند. من به مردم ایران و اکثریت باور دارم. نمی‌دانم که بیخودی برای خودمان پیسی باز می‌کنیم یا نه، ولی به نظر ما خیلی متمدن هستیم. ظاهراً در جامعه ما این عقلانیت به وجود آمده است که می‌توان حضور اجتماعی زیاد را بدون خشونت پیگیری کند. اینها چیزهایی است که به من امید می‌دهد؛ البته شاید امید من بیشتر مذهبی است و اعتقاد دارم که یک کسی دست این افتاده را می‌گیرد. ترجیح می‌دهم این‌طور امیدوار باشم، ناامیدی آدم را فلج می‌کند. باید جامعه خودمان را بسپج کنیم؛ ما به حضور جمهور احتیاج داریم؛ جمهور باید یک بار دیگر نقش خود را در بنیان‌گذاری ایفا کند».

نگاه

محمدجواد فتحنی:

ضابطان و مأموران کشف جرم حق ضرب‌وجرح متهم را ندارند

● **فام‌نیوز:** یک عضو کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس گفت: ضابطان و مأموران کشف جرم و اجرای مجازات، حق ندارند از حدود مجازات تعیین‌شده از سوی دادگاه صالح تعدی کنند؛ نه در زمان کشف جرم، حق ضرب‌وجرح متهمان را دارند و نه در حین بازجویی می‌توانند برای اخذ اقرار، متهمان را شکنجه کنند و نه در زمان اجرای حکم می‌توانند ضربه‌ای بر ضربات مورد حکم بیفزایند. محمدجواد فتحنی در یادداشتی با عنوان «توضیح واضحات» نوشت:

پس از اغتشاشات اخیر خیابان پاسداران، برخی رسانه‌ها و سایت‌ها که تا دیروز سربازان و مریدان «معجزه هزاره سوم» بودند با نقل ناقص مطلب اینجانب که در «ضرورت رعایت حقوق متهم» نوشته شد هیاهو کردند و با کج‌فهمی و یا هر انگیزه دیگری، ضمن مخالفت با مسلمات فقهی و حقوقی بر این نکته پای فشردند که نویسنده مدافع اغتشاشگران است و قاتل به مجازات و تعقیب نیروهای انتظامی! نکته جالب توجه آن است که منتخب آنان از مطلب یادشده، دقیقاً همان گزیده کانال تلگرامی صداقت‌انقلاب «آمدنیوز» بود. هرچند به توصیه قرآن باید از چهل و عناد آنان گذشت که «إِذَا مَرُؤًا بِالْغُفْرٰوٰی كَرُمًا» و در برخورد با آنان به سلامی اختصار ورزید که «إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا». اما جهت روشن‌شدن مطلب برای کسانی‌که اصل مطلب را ندیده و به نقل از این رسانه‌ها، گزیده مطلب را مطالعه کرده‌اند و به‌دنبال حقایق هستند مستداتی را ذکر می‌کنم:

۱. آنچه مسلم است هرگونه اغتشاش و شورش و برهم‌زدن نظم و امنیت عمومی محکوم بوده و مسببان و مرتکبان، طبق قوانین جاریه باید به مجازات اعمال خود برسند. قانون مجازات اسلامی در مواد مختلفی از جمله ۲۸۶، ۲۸۷ و ۲۸۹ اینگونه اعمال را به تقصیل جرم‌انکاری نموده و مجازات‌های شدیدی نیز برای مرتکبان تعیین کرده است.

۲. طبق مسلمات فقه امامیه و صریح قوانین راجع به دادرسی کیفری، مجازات مرتکبین باید توسط دادگاه صالح و در چارچوب شرع و قانون تعیین شود و ضابطین و مأموران کشف جرم و اجرای مجازات، حق ندارند از حدود مجازات تعیین‌شده توسط دادگاه صالح تعدی نمایند؛ نه در زمان کشف جرم، حق ضرب‌وجرح متهمان را دارند و نه در حین بازجویی می‌توانند برای اخذ اقرار، متهمان را شکنجه کنند و نه در زمان اجرای حکم می‌توانند ضربه‌ای بر ضربات مورد حکم بیفزایند که اگر چنین کنند خود مرتکب جرم جدیدی شده‌اند که باید مورد تعقیب قرار گیرد. ۳. طبق ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطان باید تحت ریاست و نظارت دادستان انجام وظیفه کنند و در مواد ۲۸ تا ۶۲ قانون مذکور تکلیف ضابطان تعیین شده و تـخلـف از مقررات توسط ضابطان در ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد دیگری از قانون مجازات اسلامی مشخص گردیده است.

۴. امام خمینی (ره) در بند ۷ فرمان مشهور به ۸هـ‌ای در سال ۱۳۶۱ تصریح فرمودند که در مورد گروهک‌های مخالف اسلام و برانداز که محارب خدا و رسول هستند باید با قاطعیت و شدت عمل، ولی با احتیاط کامل اقدام شود؛ چراکه تعدی از حدود شرعی حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست. کسانی که سال‌های ۶۰ و ۶۱ را درک نمودند و جنایات منافقین را در کنگنه حدود ۱۷ هزار نفر از مردم بیکتا کوچه و بازار شاهد بودند، گواهی می‌نمایند که وضع پیش‌آمده در اغتشاشات خیابان پاسداران با اوضاع آن روزگار قابل مقایسه نیست. آن سال‌ها، نظام اسلامی ریشه ندوانده و نهال نپوایی بود و امروز نظام مقتدری است که اینگونه حوادث بر قامت آن نمی‌تواند خدشهای وارد کند. ولی در آن شرایط بحرانی امام راه‌حل تعدی از حدود شرعی را حتی نسبت به گروهک‌های ملحد و منافق و برانداز نیز جایز نمی‌دانست.

۵. عدم مواظبت بر اجرای قواعد شرعی و قوانین جاریه، همیشه برای نظام جمهوری اسلامی هزینه داشته است. همه کسانی که دلسوز نظام و انقلاب و مدافع استقلال و امنیت کشور هستند باید در چارچوب قوانین عمل کنند. خداوند می‌فرماید «يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا لَا تَقْتُلُوْهُوَ مَنْ يَّبْغُوْهُ خُذُوْهُ اِنَّهُٗ فَاوْلٰىکُمْ هُمْ الظّٰلِمُوْنَ». بدیهی‌ست تجاوز از حدود شرع و قانون توسط هر کسی مذموم و قبیح است و توسط ضابطان و مجریان قبیح‌تر. حتماً یادمان نرفته که قتل زهرا کاطمی که اخیراً توسط آقای یونسی، وزیر پیشین اطلاعات، بازخوانی شده در مجامع بین‌المللی چه هزینه سیاسی سنگینی را به جمهوری اسلامی تحمیل کرد. تا قبل از قتل وی چه کسی ایشان را می‌شناخت؟ و حیاتی‌ش چه آسیبی به نظام وارد می‌کرد؟ اما با قتل او که ناشی از سهل‌انگاری مأمورین بود، تا هم‌اکنون ناگزیر عواقب زیان‌بار آن را بر دوش می‌کشیم.

در خاتمه‌ضمن تاکید بر این نکته که باید قدردان حافظان نظم و امنیت کشور بود و در مقابل رشادت‌ها و جانبازی‌های آنان سر تعظیم فرود آورد، بروح شهدای این حادثه ناگوار درود می‌فرستم و علودرجات آنها را از حضرت باری تعالی مسئلت می‌نمایم و صبر و اجر را بر باری خانواده‌های آن عزیزان آرزو می‌کنم و از همه دل‌پاسان نیز دعوت می‌کنم اصل مطلب «ضرورت رعایت حقوق متهم» را بار دیگر مطالعه کنند و آن را با سیره پیامبر اکرم (ص) و امیر مؤمنان علی (ع) در برخورد با مجرمین و نیز با فرمایشات امام راحل تطبیق دهند؛ البته اگر لازم می‌دانند!



azadehco

۰۶-۳۹۲۴۰۳۸۸۸ دفتر فروش

۰۸-۹۷۹۵۶۳۳۹۷ فروشگاه مرکزی

www.azadehco.com

از سایت ما دیدن فرمایید

وقتی جامعه شما طبقاتی نیست، آن دو گروه دیگر– منزلتی و اجتماعی– در خط‌مشی‌گذاری اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند.